مسافر سیاه‌چاله‌ها

نویسنده: احمد حسینی

تاریخ انتشار: ۱۲ مرداد ۲۵۸۵ باستانی برابر با ۳ ماه اوت ۲۰۲۶ میلادی



نیم قرن بیش از آنچه پزشکان پیش‌بینی کرده بودند زندگی کرد و در این مدت نسبتاً طولانی، با جرقه‌های ذهنی خود توانست بخشی از تاریک‌ترین رازهای کیهان، به‌ویژه سیاه‌چاله‌ها، را روشن‌تر کند.

روز چهاردهم مارس ۲۰۱۸، در ۷۶ سالگی، چشمان تیزبینش بر روی کائنات و کهکشان‌ها برای همیشه بسته شد. او مردی شوخ‌طبع، خوش‌روحیه و برخوردار از اعتمادبه‌نفسی شگفت‌انگیز بود. در بیست‌سالگی، پزشکان به او گفتند که به بیماری درمان‌ناپذیری مبتلاست و بیش از دو یا سه سال دیگر زنده نخواهد ماند. اما برخلاف همه پیش‌بینی‌ها، بیش از پنجاه سال دیگر زندگی کرد.

تمام ماهیچه‌های بدنش به‌تدریج فلج شدند و در سال‌های پایانی تنها از طریق یک رایانه پیشرفته و حرکت اندک عضلات صورت با دیگران ارتباط برقرار می‌کرد. او بر روی صندلی چرخدارش می‌نشست و در دورترین نقاط عالم، در دل تاریکی، به جست‌وجوی نور می‌رفت و پرده از رازهای آفرینش، یکی پس از دیگری، کنار می‌زد. او زادهٔ انگلستان و دانشجوی ممتاز دانشگاه‌های آکسفورد و کمبریج بود؛ نامش **استیون هاوکینگ**.



استیون هاوکینگ در ۸ ژانویهٔ ۱۹۴۲ در شهر آکسفورد انگلستان به دنیا آمد. پدرش زیست‌شناس و متخصص بیماری‌های مناطق گرمسیری و مادرش خانه‌دار بود. تحصیلات ابتدایی خود را در مدرسه‌ای در شهر سنت‌آلبنز آغاز کرد و سپس در یونیورسیتی کالج آکسفورد به تحصیل پرداخت. هنگامی که دورهٔ دکترای خود را در رشتهٔ کیهان‌شناسیِ نظری و فیزیک در دانشگاه کمبریج می‌گذراند، به بیماری تحلیل‌برندهٔ نورون‌های حرکتی‌مبتلا شد. سلول‌های عصبی ـ حرکتی او به‌تدریج از کار افتادند و او توان حرکت را به سرعت از دست داد، اما با وجود بیماری، در سال ۱۹۶۵ با موفقیت مدرک دکترای خود را دریافت کرد.

هاوکینگ می‌گفت: «این بیماری باعث شد که به‌جای شرکت در جلسات گاه خسته‌کنندهٔ اکادمیک، در تنهایی مغزم را به کار بگیرم و به دنبال کشف رازهای طبیعت بروم.»

او از برجسته‌ترین پژوهشگران نظریهٔ مه‌بانگ و سیاه‌چاله‌ها بود و پژوهش‌هایش تأثیر عمیقی بر شناخت ما از منشأ جهان، زمان، مکان و گرانش گذاشت. بسیاری او را یکی از بزرگ‌ترین فیزیک‌دانان پس از آلبرت اینشتین می‌دانند.

هاوکینگ با این دیدگاه مشهور اینشتین که «خدا تاس نمی‌اندازد» موافق نبود. او معتقد بود بسیاری از پدیده‌های جهان بر پایهٔ قوانین احتمالات کوانتومی رخ می‌دهند و این رویدادها، هرچند در نگاه نخست تصادفی به نظر می‌رسند، اما در چارچوب قوانین فیزیک قابل توضیح‌اند.

او بر این باور بود که پیدایش جهان را می‌توان بر پایهٔ قوانین طبیعی توضیح داد و برای تبیین آغاز کیهان، ضرورتی به فرض مداخلهٔ اراده‌ای فراطبیعی وجود ندارد؛ ازاین‌رو با روایت‌های سنتی آفرینش، آن‌گونه که در بسیاری از کتاب‌های مقدس آمده است، هم‌نظر نبود.

زمانی که پزشکان از درمان او ناامید شده بودند و تصمیم داشتند دستگاه تنفس مصنوعی‌اش را قطع کنند، همسرش با این تصمیم به‌شدت مخالفت کرد. همین مخالفت باعث شد تا او سالیان درازی به زندگی ادامه دهد. سال‌هایی که طی آن‌ها با پژوهش‌ها و اندیشه‌های ژرف خود، دانش بشر را گامی بزرگ به پیش برد.

از هاوکینگ سه فرزند به نام‌های لوسی، رابرت و تیموتی به‌جا مانده است. او نه‌تنها کیهان‌شناس و فیزیک‌دانی برجسته بود، بلکه نویسنده‌ای توانا نیز به شمار می‌رفت و آثار ارزشمند بسیاری از خود بر جای گذاشت.

کتاب «**تاریخچهٔ مختصر زمان**» مشهورترین و پرفروش‌ترین اثر اوست و نقش مهمی در شناساندن او به مردم جهان داشت. دو کتاب «گنجینهٔ کیهان» و «دریچه‌ای به سوی کیهان» را نیز با همکاری دخترش، لوسی، نوشت. از دیگر آثار او می‌توان به «جهان در پوست گردو»، «بر شانه‌های غول‌ها»، «تاریخچهٔ مختصر زندگی من» و آثار دیگر اشاره کرد.

آخرین کتاب او با عنوان «**پاسخ‌های کوتاه به پرسش‌های بزرگ**» پس از درگذشتش منتشر شد. در این کتاب، او به مهم‌ترین پرسش‌های بشر پرداخته است؛ از جمله: آیا خدایی وجود دارد؟ آیا در سیاره‌های دیگر موجودات زنده‌ای زندگی می‌کنند؟ آیا می‌توان آینده را پیش‌بینی کرد؟ جهان چگونه و از کجا آغاز شده است؟ او در این اثر، دیدگاه‌های علمی و فلسفی خود را دربارهٔ این پرسش‌ها بیان می‌کند.

او در پایان پاسخ‌های خود، خوانندگان را چنین مخاطب قرار می‌دهد:

«کنجکاو باشید! هر قدر هم که زندگی دشوار به نظر برسد، همیشه کاری هست که بتوانید انجام دهید و در آن موفق شوید. هرگز تسلیم نشوید، از مبارزه خسته نشوید، و اجازه ندهید کسی یا چیزی مانع اندیشه‌ها و آرزوهایتان شود. آینده را با اندیشه و تلاش خود بسازید.»

هاوکینگ در مقدمهٔ همین کتاب از سفر خود به ایران نیز یاد می‌کند. او در تابستان ۱۹۶۲ با قطار وارد استانبول شد، سپس به ارزروم رفت و از آنجا وارد ایران شد. از شهرهای تبریز، تهران، اصفهان و شیراز دیدن کرد و هنگام بازگشت، با زلزلهٔ ویرانگر بوئین‌زهرا با قدرت ۷٫۱ ریشتر روبه‌رو شد؛ زلزله‌ای که هزاران خانه را ویران کرد و جان حدود دوازده هزار نفر را گرفت.

استیون هاوکینگ سال‌ها مدیر پژوهش‌های مرکز کیهان‌شناسی نظری دانشگاه کمبریج بود و حوزهٔ اصلی فعالیت علمی او کیهان‌شناسی، گرانش کوانتومی و به‌ویژه پژوهش دربارهٔ سیاه‌چاله‌ها بود. او در طول زندگی خود جوایز و مدال‌های علمی فراوانی دریافت کرد. وی که انسانی فروتن بود، در سریالی، در نقش خودش بازی کرد و شخصیت خود را با طنز به شوخی گرفت. یکی از آرزوهای او سفر به فضا بود. اما برای تحقق چنین آرزویی علیرغم اینکه بلیطی افتخاری در اختیار داشت، اجل مهلتش نداد.

لوسی، دختر او، در پایان کتاب «پاسخ‌های کوتاه به پرسش‌های بزرگ» می‌نویسد:

«آرزو می‌کنم ای‌کاش پدرم زنده می‌ماند و می‌دید که چگونه میلیون‌ها انسان در سراسر جهان، بی‌آنکه هرگز او را دیده باشند، دوستش دارند و برایش احترام فراوان قائل‌اند. همچنین آرزو می‌کنم ای‌کاش می‌توانست بداند که آرامگاهش در کنار دو تن از بزرگ‌ترین چهره‌های تاریخ علم، اسحاق نیوتن و چارلز داروین، قرار گرفته است.»